

گرچه بحث درباره مقام علمی امام مانند بحث در روشنائی آفتاب است، و این مطلبی نیست که در این زمان نیاز به گفتن و نوشتن داشته باشد ولی چون سخن از بیوگرافی امام است و این مطالب نه برای مردم امروز که برای تاریخ نوشته می شود، از این رو مختصر مطلبی در این باره می نویسیم:

امتیاز امام خمینی:

آنچه امام خمینی را از سایر علما و مراجع ممتاز می گرداند، تخصص و تبخّر در علوم گوناگون اسلامی است، و با اینکه امام خمینی از سال ۱۳۴۷ قمری - و در حالی که بیش از ۲۷ سال نداشت - تدریس فلسفه را در حوزه علمیه قم برای شاگردانی با استعداد و با لیاقت آغاز کرد و در بین علمای حوزه به عنوان استاد حکمت و عرفان مشهور شده بود و همانگونه که مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی در کتاب «طبقات اعلام الشیعه» خود می نویسد: بوی عرفان از کتاب اسرارالصلوة ایشان به مشام می رسد: ولی در همان حال، آنچنان در فقه و اصول مهارت و تسلط داشت که در هر مجلسی وارد می شد و با هر گروهی از فقها به بحث می نشست، نظریات ارزنده و سائب فقهی و اصولی وی برملا می شد و همگان در برابر این دریای دانش و بینش - با آن سن کم - انگشت حیرت به دهان می گرفتند و با اعجاب به این نابغه والامقام می نگریستند.

یکی از فضیلهای نجف اشرف نقل می کرد: در یکی از مسافرتهای امام به نجف - که برای زیارت عتبات مقدسه مشرف شده بود - یکی از آقایان علما (که امروز در شمار مزاجع بزرگ شیعه می باشد) تقریرات درس استاد خود، مرحوم آیت الله میرزای نائینی «ره» را نزد امام می آورد تا ایشان آن را مطالعه و تصحیح نمایند.

تدریس خارج فقه و اصول:

امام در سال ۱۳۶۴ قمری (۴۰ سال پیش) و همزمان با ورود مرحوم آیت الله بروجردی به قم، تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و با تحقیق ها و پژوهش های شگرف خود، آنچنان انقلابی فرهنگی در حوزه ایجاد نمود که در مدت زمانی کوتاه، سیل فضلا و دانشمندان از سراسر ایران به سوی حوزه تدریس وی روانه شده و همه شاهد بودند که شاگردان امام بیش از یک برابر کنیم شاگردان آیت الله بروجردی «ره» بودند و این خود دلیلی است روشن و آشکار بر مهارت بی مانند امام در علوم آل محمد «ص».

پیش از این

امام خمینی

دام ظلّه

قسمت دوم

مید محمد جواد مری

شیوه تدریس:

شیوه تدریس امام به گونه ای بود که از تقلید و طوطی وار تکرار کردن مبانی گذشتگان بازمی داشت و در حالی که برای مبانی علمی و نظریه های فقهای شیعه احترام فوق العاده ای قائل بود، همواره شاگردان را به تحقیق، دقت نگری و ژرف اندیشی وامی داشت و از آنان می خواست، خود با مطالعه و مباحثه و کنجکاوی، به مبانی جدید دست یابند. از این روی می توان گفت، امام با این شیوه تدریس، روند آموزش حوزه ای را تغییر داد و به سوی کمال و به اندیشی رهنمون ساخت.

جلسه اخلاق:

امام خمینی در عین حال که آنقدر به فقه اهمیت می دهد، به تزکیه و تهذیب نفس و پرورش اخلاق شاگردان، اهمیت به سزائی قائل است و لذا در همان دورانی که تدریس فلسفه و عرفان را برای چند شاگرد شایسته و لایق آغاز کرده بود، جلسه اخلاق را نیز برقرار نمود و از روی کتاب «منازل السائیرین» روش تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را برای آنان تفسیر می کرد تا اینکه کم کم دامنه این درس اخلاق گسترش یافت و هفته ای یکبار به صورتی منظم درآمد و نه تنها طلاب و فضلا در این جلسه - که در مدرسه فیضیه برقرار می شد شرکت می کردند بلکه صدها نفر از کارگران، کسبه،

پانصد مجتهد صاحب نظر:

این شاگردان با فضیلتی که هریک چون ستاره‌ای تابنده فضای شهرستانها و روستاهای کشورمان و بالاتر که فضای کشورهای دیگر را نیز روشن و منور می‌سازد، سندی است افتخارآمیز بر بزرگی، جلال و عظمت روح استاد والا مقامشان حضرت امام خمینی ارواحنا فداه که در طول زندگی خود از هیچ کوششی در راه تربیت اسوه‌های حسنه زندگی دریغ نداشت و شخصیتهایی به جهان انسانیت تقدیم داشت که نمونه‌ای از آنان را در شخصیت حضرت آیه‌الله العظمی منتظری و استاد شهید آیه‌الله مطهری می‌توان دید. در هر صورت، بیش از پانصد مجتهد صاحب نظر را این استاد والا مرتبه به عالم تشیع تقدیم نمود که هریک خلعتانی ارزنده و درخور ستایش و تقدیر به مردم ما، مکتب ما، کشور ما، و ملت شهید پرور ما نموده‌اند. خداوند به همه آنان جزای خیر و به امام عزیزمان طول عمر و توفیق مرحمت فرماید.



نور چشم حوزه علمیه:

کتاب «آثار الحجة» که در سال ۱۳۷۳ قمری (۳۱ سال پیش) چاپ شده است، در جلد دوم، صفحه ۴۴ درباره امام خمینی چنین می‌نویسد:

«یکی از اساتید بزرگ و اعظام حوزه علمیه قم حضرت حجة الاسلام والحکیم الملام والفقہ اللہام، سیدنا الاستاد آقای حاج آقا روح الله خمینی ابن حجة الاسلام سیدالاعلام مصباح الظلام السيد مصطفى الشهد الخميني است که امروز چشم حوزه علمیه به وجودش روشن و مورد توجه فضلا و محصلین و بسیاری از مردم قم و طهران و سایر شهرستانها است... از زمان مرحوم حائری تا ۱۳۶۸ هجری دروس کفایه، مکاسب، منظومه و اسفار را تدریس و فضلا برجسته تربیت نموده و بخصوص در فن اخلاق و درس آن استاد، منحصر بفرق حوزه علمیه قم بوده و حدود ۸ سال در مدرسه فیضیه هفت ای دوروز (پنجشنبه و جمعه) صدها نفر از فضلا حوزه و غیره را از بیانات شیوا و درس اخلاق خود مستفید و با ذکر «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و اثر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تشرق ابصار القلوب حجب التورق فصل الی معدن العظمة و تصیر ارواحنا معلقة بمرق قدسک» که همه روزه در اختتام دروس می‌فرمود، قلوب اهل ذوق و تهذیب را نورانی و صفا و جلا می‌داد تا در چند سال اخیر که درس مذکور را برای باره‌ای از موانع، تعطیل و حوزه درس خارج فقه و اصول را دایر و محصلین فاضل را از تحقیقات رشیده و بیانات کافیه که توأم با فلسفه و حکمت است برخوردار می‌نماید و حوزه تدریس ایشان سرآمد حوزه‌های دیگر و مایه بسی امیدوارینا است. دارای طبع سلیم و روحی قوی و قلبی سالم می‌باشد. فلتمن بسیار زیبا و بیانش بی حد رسا و جامع است.»

بازاریان و دانش‌پژوهان قم پیوسته به آن مجلس می‌آمدند و از آثار روحی و معنوی آن بهره می‌بردند. رضاخان که نمی‌توانست این درس اخلاق را مشاهده کند و می‌دانست که امام با پرورش روان‌ها و بیدار کردن جان‌ها در پی ریشه کن نمودن نظام ظلم و ستم در ایران است؛ در صدد تعطیل این جلسه برآمد و هنگامی که فرستاده خود را برای تعطیل آن به خلعت امام فرستاد، با مقاومتی بی نظیر در برابر او چنین فرمود: «من موظف هستم بهر نحوی که هست این جلسه را برگزار نمایم. پلیس شخصاً بیاید و از انعقاد آن جلوگیری بعمل آورد.» در هر صورت با کارشکنیها، فشارها و توطئه‌های مستمر عوامل رضاخان، امام ناچار جلسه اخلاق را به مدرسه حاج ملا صادق که در منطقه‌ای دوردست واقع بود؛ منتقل نمود و پس از به هلاکت رسیدن رضاخان، بار دیگر جلسه اخلاق به مدرسه فیضیه با رونقی بیشتر و استقبالی افزونتر منتقل شد و امام با آن نفس پاک و سخنان سازنده و آموزنده در پی رشد معنوی هر چه بیشتر مردم برآمد و در تهذیب جانها و روانها تا آنجا کوشید که پروردگاران این مکتب انسان‌ساز، پس از مبارزه با نفس خویشتن، به مبارزه با ستمگران برخاستند و هریک در جایی و مقامی به این خلعت مقدس ادامه داده و می‌دهند که برخی در همین راه به والا ترین مقام یعنی شهادت در راه خدا دست یافته و دیگران در پی ادای دین خود به خالق خویشتن سر از پا نمی‌شنازند.

علوم انسانی و مطالعات علوم انسانی

امام خمینی

دام ظلّه

تالیفات امام:

امام خمینی در علوم و معارف مختلف اسلامی، کتاب نوشته و تالیفاتی دارند که بیشتر آنها چاپ شده و برخی نیز تا کنون چاپ نشده است. سیر تالیفاتی امام از مسائل عقلیه شروع می شود و به اخلاق و فقه و اصول ادامه می یابد. کتابهای امام از این قرار است:

- ۱- کتاب مصباح الهدایه: در عرفان و مسائل عقلی است. امام هنگام تالیف این کتاب بیش از ۲۷ سال نداشت ولی محتوای کتاب آنقدر ژرف و عمیق است که هر چه بر آن حاشیه نوشته و بنویسند باز هم نیاز به تدریس دارد.

- ۲- شرح بردعای سحر: دومین کتابی است که امام در مسائل عقلی نگاشته اند و سن ایشان در آن وقت ۲۹ سال بوده است.
- ۳- اربعین حدیث: ۷ حدیث آن مسائل عقلی و ۳۳ حدیث در اخلاقیات است.

- ۴- اسرار الصلاة یا معراج السالکین.

- ۵- حاشیه بر نصوص الحکم قیصری.

- ۶- رساله فی الطلب والإرادة.

- ۷- حاشیه بر مفتاح الغیب.

- ۸- شرح حدیث رأس الجالوت.

- ۹- شرح حدیث جنود عقل و جهل.

- ۱۰- آداب الصلوة.

- ۱۱- کشف اسرار

- ۱۲- الرسائل: در دو جلد که این کتاب چند موضوع مهم اصولی را بحث می کند (قاعده لاضرر و لاضرار، استصحاب، تعادل، ترجیح و...)

- ۱۳- کتاب البیوع: درسهای فقهی امام در نجف اشرف (۵ جلد).

- ۱۴- کتاب الطهاره: ۳ جلد.

- ۱۵- تحریر الوسیله: دوره کامل فقه در ۲ جلد.

- ۱۶- تهذیب الاصول: تقریرات درس اصول و فقه امام در ۳ جلد.

- ۱۷- نیل الاوطار فی بیان قاعده لاضرر و لاضرار

۱۸- زیادة الأحکام.

۱۹- مکاسب محرمة (۲ جلد).

۲۰- حکومت اسلامی یا ولایت فقیه: مجموعه درسهای امام در نجف اشرف درباره حکومت اسلامی.

۲۱- مبارزه با نفس یا جهاد اکبر- بخشی از سخنرانیهای امام در مسائل اخلاقی که در نجف ایراد شده است.

۲۲- رساله مشتمل بر فوایدی در بعضی مسائل مشکله.

لازم به یادآوری است که امام از بیانی بسیار بلیغ و شیوا برخوردار است و در فن نویسندگی دارای قلمی روان است. همچنین از طبع شعرو ذوق ادبی برخوردار است که در جوانی اشعاری زیبا سروده و بیشتر آنها در عرفان و مدح اهل بیت عصمت و طهارت «ع» است و متأسفانه بسیاری از این قصیده ها مفقود شده است. یکی از قصائد امام در مدح امام زمان «عج» است که قصیده بسیار زیبایی است و ۲۱ مخطس می باشد.

خلاصه آنان که از یک زاویه محدود با دیدی کوتاه به امام می نگرند هنوز نتوانسته اند او را بشناسند، بدانند که امام خمینی، گوی سبقت را در: فقه، اصول، فلسفه، عرفان، پارسائی، تهذیب نفس، پرهیزکاری، ایمان، عبادت، ورع، ملکات فاضله روحی، حق گوئی، حمایت از مستمندان، نبرد با گردنکشان، حرکت، قیام، نبوغ سرشار، آینده بینی، آزادگی، صراحت بیان، سخنوری، متانت و اخلاق نیکو، از دیگران ربوده است. و ما گرچه - عملاً - تمام مؤمنین این جهان را احصا نکرده ایم ولی بی هیچ گمان اگر در این جهان شخصیتی وجود داشت که هم در علم و دانش و هم در پارسائی و عبادت و هم در خدمت به محرومان و مستمندان (که هر یک لازم و ملزوم یکدیگرند) از امام برتر بود، لااقل تا امروز اثری - هر چند ناچیز - از او پیدا نمی شد ولی چون چنین شخصیتی دیده نشده است و از سونئی دیگر دارا بودن امام، آن همه ویژگیهای منحصر بفرد و سرآمد دیگران بودن در خصوصیات یک انسان کامل، جانی برای دیگران باقی نمی گذارد و ما را وامی دارد که بی محابا و بدون هیچ پروائی اعلام کنیم: بخدا پس از امام زمان، برتر از خمینی، در این زمان کسی نیست. خداوند عمر پربرکت این امام عزیز را طولانی و ما را قادران ایشان قرار دهد. والسلام.

